

یادگار

آذر ماه ۱۳۲۴ - دی الحجه ۱۳۶۴ - محرم ۱۳۶۵ نوامبر - دسامبر ۱۹۴۵

سال روز

کتابهای خواندنی

اگر نسبت با مردم ممالک متمدنه عالم ایرانی را در نظر بگیرید و مقدار آنچه را در عرض سال خوانده است با مبلغ خواننده های هر يك از افراد ملل متمدنه در میزان مقایسه بیاورید خواهید دید که ایرانی در سال چیزی نخوانده است و معنی این نکته اینست که آن قسمت از عمر هر فرد سعادت خواه کنجکاو که خواهی نخواهی در این دنیای امروزه باید بمطالعه و کسب معلومات و درك حقایق بگذرد بیاطل گذشته و یا از راه حقیقی خود منحرف بوده است.

البته هیچگاه نباید تصور کرد که نتیجه این وضع اینست که ایرانی کتاب خوان نیست و بخواندن و مطالعه کردن عشقی ندارد بلکه باید گفت که مردم با سواد ما کتاب خواندنی ندارند و از این حیث در نهایت فقر و تنگدستی بسر میبرند.

غرض ما از کتاب خواندنی هم مطلق کتاب است برای خواندن و هم کتابی است که واقعا بخواندن بیرزد و ضایع کننده عمر و مفسد ذهن و از راه بیراه کننده نباشد.

محصلی را در نظر بگیرید که تازه از مدرسه متوسطه یا عالی بیرون آمده و در

ضمن تحصیل شوق مطالعه و تکمیل در او تولید یافته و حالیه میخواهد روز بروز بیشتر بر سرمایه علمی و ادبی خود از راه کتاب خواندن و تتبع آثار گنشتگان و مقابسه مطالب کتابها با یکدیگر بیفزاید و مردی محقق و عمیق بار آید. این چنین شخص برای خواندن و مطالعه کردن از کجا کتاب بیاورد؟ آیا مثل ممالک خارجه در هر محله و مدرسه کتابخانه‌های عمومی وجود دارد که کتب اصلی مطالعه و کار و شاهکارهای ادبی و علمی درجه اول را باسانی و مجانی در دسترس عامه بگذارند تا کتابخوانان که استطاعت خرید کتاب ندارند بیچاره و سرگردان نمانند و براحت و فراغت هر کتاب را که طالبند بخوانند و در مقابل معرفتی یا ضمانت مختصری بمنزل خود ببرند؟ یا آنکه دولت کتاب را هم در عداد حوائج روزانه مردم آورده و برای آنکه دهاغ و ذهن عامه نیز مانند معدنه ایشان بی غذا و بدنشان بی لباس نماند و بتدریج از شدت نیازمندی نیرد و از کار نیتقد تدبیری عاجل برای آن می‌اندیشد و برفع این احتیاج مبرم پی میبرد؟

بدبختانه چون هیچیک از این دو وسیله در مملکت ما مهیا نیست و کیسه خالی محصل شائق تکمیل نیز توانائی خریدن کتب لازمه را ندارد همیشه محتاج و سرگردان میماند و بالتسویه یا کم کتاب میخواند یا بعلت دسترسی پیدا نکردن بکتابهای خوب و مورد احتیاج او دست بکار خواندن آن کتب و اوراقی میزند که ارزان تر و آسان تر فراهم میشود بهمین جهت هم تفرقه و نشئت در راه تحقیق و تکمیل برای او پیش می‌آید و هم يك قسمت از عمر او بخواندن لاطائلاتی که فقط روی کاغذ را سیاه کرده و حتی بيك بار خواندن نیز نمی‌ارزند میگذرد.

اگر واقعا دولتی دوراندیش و کار آگاه داشتیم که سیاستی مشخص در باب علم و فرهنگ و دستوری معین در این مرحله داشت. اولین و مهمترین وظیفه خود را تهیه کتاب خواندنی برای مردم قرار میداد و دوائی شافی در رفع این خطر که مانع عمده بیدار شدن و عالم شدن عامه و توسعه دایمه معرفت و معلومات عمومی است می‌اندیشید کتاب خواندنی برای ما از سه رشته بیرون نیست. يك رشته کتب ادبی و تاریخی و نموی قدیمی خود ماست که از بزرگان و قدمای ما بجا مانده و مدار ملیت و زبان

و تاریخ و ادبیات ما بر آنهاست و هیچ ایرانی نیست که تمام یا قسمت مهمی از آنها نیازمند نباشد، رشته دیگر کتب خارجی یا ترجمه‌های آنهاست و رشته سوم کتبی که باید، متناسب زمان و بمصلحت روز بدست مؤلفین ایرانی برای مدارس یا عامه مردم تألیف یابد.

از کتب رشته اول یعنی تألیفات قدما بدیخانه چنانکه همه میدانند و ما هم مکرر گفته و نوشته‌ایم قسمت اعظم همچنان بحال نسخه‌های خطی و نادرالوجود در کتابخانه‌های دور دست یا پیش اشخاصی مخصوص مانده و دسترسی همه کس بآنها میسر نیست، آنها هم که سابقاً چاپ شده امروز بعلت کمیابی نسخه و عدم تجدید طبع بقدری نایاب و گران قیمت شده‌اند که کمتر کسی استطاعت خرید چند جلد از آنها را دارد.

تصور بفرمائید یکی از جوانانی که تازه از تحصیل فراغت یافته و باصطلاح امروز مثلاً بیایه یک دبیری یا استادی رسیده و حقوق مادی این مقام را هم دریافت میدارد بخواهد برای اسباب کار تکمیل و تدریس خود چند جلد کتاب چاپی لازم از نوع همین کتب قدما جهت خویش خریداری نماید، بی اغراق تمام حقوق یک ساله او برای اجرای این نیت وافق نخواهد بود مثلاً اگر از نوع لغت بیک جلد برهان قاطع با فرهنگ انجمن آرای ناصری و از جنس کتب تاریخ عمومی بیک دوره روضه‌الصفایا حبیب‌السیر و از زمره کتب ادبی بیک دوره مجمع‌الفصحاء و از دواوین معتبره بیک شاهنامه و یک سعدی و یک نظامی و یک مثنوی و یک حافظ و سه چهار کتاب معتبر دیگر از همین گونه کتب لازم احتیاج پیدا کند و بخواهد آنها را با پول بخرد باید مبلغی نیز مقروض گردد و هنوز قدم اول را در تحصیل ادب و تهیه کتب ادبی بر نداشته بتکلیت آن گرفتار آید.

علاوه بر اینکه از این نوع کتاب در این بیست سی ساله اخیر چیز قابلی از خطی صورت چاپی در نیامده آنها هم که در عهد ناصری یا قبل از مشروطیت بزور طبع آراسته شده بودند حالیه بتدریج چنان نایاب و عزیزالوجود گردیده که برای تهیه یک نسخه از آنها باید بسیار گردید، تازه اگر یک نسخه مستعمل و مندرس از آن بدست

آید بقیمتی است که پرداخت آن از عهده کسبه‌های ضعیف و نوجان محصلین و معلمین کم حقوق بیرون خواهد بود. قیمت دو جلد مجمع الفصحاء موقعیکه نازه بچاپ رسیدم بود یا عالم‌آرای عباسی از ۳۰ الی ۳۵ ریال تجاوز نمیکرد در صورتیکه امروز قیمت نسخه مستعمل آنها به ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ ریال بلکه بیشتر رسیده است.

اما از رشته دوم کتابهای خواندنی کتب خارجی یا کتب عربی و فارسی مطبوعه در خارجه پیش از جنگ نسبتاً هم بکثرت بدست می‌آمد و هم قیمت‌هایی عادلانه داشت و اگرچه امروز این حال نیز مثل بسیاری از احوال دیگر صوری غیر عادی پیدا کرده لیکن امید است که باز همینکه اوضاع بحال سابق برگردد وضع پیش از جنگ اعاده یابد مثلاً کتاب انساب سمعانی که بجای ۳۵ ریال قیمت اولی آن به ۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ریال فروش میرسد بقیمت سابق خود یا بقیمتی قدری بیشتر بمعرض فروش گذاشته شود ترجمه کتابهای خارجی و تألیف کتبی مفید و مناسب بقلم مؤلفین ایرانی وضعی خاص دارد و اگرچه ممکن است کسانی بذوق شخصی کتبی را از زبانهای بیگانه فارسی ترجمه یا کتابهایی در نتیجه مطالعات و تحقیقات خود باین زبان تألیف و بخرج خود بچاپ برسانند لیکن این کار هم بدون هدایت و معاونت دولت آن روش صحیح و وسعت دامنه‌ای را که مورد نیاز عمومی است پیدا نمیکند و سرعت و بمقداری که محتاج الیه است کتاب مفید در اختیار مردم کتابخوان نمیکند.

نگارنده تا یاد دارم در وزارت فرهنگ اداره‌ای بنام دارالتألیف یا نگارش وجود داشته و هر سال نیز مبلغی هنگفت در وجه مخارج آن پرداخته شده است اما اگر محصول مفید این اداره را در مدتی که باین اساسی بر جا بوده از لحاظ تهیه کتب و مطبوعات سودمند خواندنی بحساب بیاورید و آنرا از این حیث با «لجنة التألیف والترجمة» در قاهره یا مطبوعات مجمع علمی عربی دمشق مقایسه نماید چیز قابلی بشمار نخواهد آمد بلکه کتبی مفیدی که در زمان ناصرالدین شاه بتوسط اداره انطباعات منتشر شده و هم امروز مردم از آنها استفاده بسیار میکنند و آنها را بقیتمهای گزاف میخرند از جهت اهمیت موضوع و اعتبار علمی در يك مشت کتابهای درسی کم قدر و مطبوعات

سفارشی و فرمایشی یا تجارتمی که در این سنوات اخیر به توسط وزارت فرهنگ بچاپ رسیده بمراتب رجحان دارد.

اهتمام در اصلاح کتب درسی و نظارت در صحت و تناسب مطالب و سلامت انشاء آنها البته وظیفه وزارت فرهنگ است لیکن سعی و هم این چنین وزارتت تنها نباید مقصور بطنی این مرحله ابتدائی از کار تهیه و نشر کتاب باشد بلکه وظیفه اصلی وزارت فرهنگ تهیه و طبع و نشر آن کتابهای اساسی است که مردم پس از آنکه سواد پیدا کردند برای رفع جهل و تکمیل معرفت و تهذیب نفس و تفریح خاطر بخوانند آنها احتیاج دارند و تا آنها نباشد ولو آنکه تمام اهل این مملکت صدی صد سواد نوشتن و خواندن را پیدا کنند و روش صحیح الفبا را در کوتاه ترین وقت بیاموزند باز هیچ دردی را دوا نخواهند کرد چه این میزان از سواد حتی معلوماتی در حدود متوسطه برای شخص بمنزله همان یکی دو سال شیر خوردن طفل است که تازه پای او برای برخاستن و دست او برای جنبش بطرف پیش و پس آماده میشود و چون با این مقدار توانائی دیگر کاری از آنها ساخته نیست هیچکس هم نباید از این پاهای توفیق سیر و کشتی طولانی و از این دستها امید برداشتن بارهائی سنگین داشته باشد بلکه این دست و پاها باید از بسیاری غذاهای سالم و گوآرای دیگر استفاده کنند تا بطول زمان بر قدرت و قوت آنها افزوده شود و قدرت و قوت انجام دادن کارهائی بزرگ در آنها بتدریج بوجود آید.

دماغ مردم نیز همین حال را دارد و بمجرد تولید سواد خواندن و نوشتن و نقش کردن مقداری عبارت و اصطلاح بر صفحه ساده آنها نمیتوان در راه بردن بار زندگانی و حل مشکلات امور اجتماعی از آنها فایده برداشت بلکه باید از راه تهیه کتابهای خواندنی اساسی و رفع موانعی که در این راه دارند آنها را در خط مطالعه دائمی و عشق و علاقه قلبی نسبت بکتاب نگاه داشت و نگذاشت که بهانه‌ای بدست نفوس خودسر و مردم کاهل تنبل بیفتند و باین جهت رشته الفتی که بین شاگردان مدارس و کتاب در مدرسه بوجود آمده در زندگانی اجتماعی قطع شود و بتدریج باب تکمیل معلومات و ادامه مطالعه بر روی ایشان مسدود گردد.

دولتی که در این قبیل مصالح اجتماعی نقشه‌ای درست دارد و جز در راه خیر و صلاح عامه قدمی برنمیدارد نهایت کوشش را بخرج میدهد که اولاً مردم را بهر تدبیر و تشویقی که میدانند کتابخوان کند سپس با خرج هر مبلغ که لازم باشد بکوشد که کتاب خواندنی جهت غذای روح و مغز در اختیار ایشان بگذارد بعبارة آخری این قبیل دولتها میکوشند که مردم را تریاکی کتاب کنند (از استعمال این اصطلاح از خوانندگان گرامی معذرت میخواهیم) و پس از آنکه ایشان را باین مرحله رساند برای دفع خمار این معتادین یا کسانی که بطیب خاطر راحت نفس خود را در قبول این عادت دیده‌اند این معجون را بمقدار وافر و بقیمت ارزان در بازار عرضه فراهم نماید و هر سال نیز جنس آنرا بهتر و جالب‌تر نماید. اگر تریاکی عادی از راه سفسطه و کوتاه بینی هوای هر دردی را برای هر کسی در هر جای دنیا استعمال تریاک میدانند ما با معجزاتی که از کتاب در دنیا دیده و هم الآن نیز می‌بینیم بی‌واهمه آنکه يك کتاب بخوان یا دشمن کتاب ما را هم سفسطه‌کار بدانند میگوئیم که تا ایرانی تریاکی کتاب نشود و کتاب درست خواندنی بقدر وافی در دسترس نداشته باشد از چاره بسیاری از دردهای مهلك از جمله درد خانما سوز تریاک نخواهد رست.

نصیحت خواجه شمس‌الدین جوینی پسرش

چون کنی عزم مهمی مشورت از یش کن
در همه حال این دو خصلت را شمار خوش کن
منصبت چون بیشتر گشته است اکنون یش کن
گوش با درد دل آن عاجز دل ریش کن
موی بزاند ام خصم از بیم همچون نیش کن
ور تواضع میکنی با مردم درویش کن
مشورت با رای درویشان دور اندیش کن

يك نصیحت بشنو از من که اندر آن نبود فرض
طاعت و فرمان حق بر شفتی بر خلق آر
کار تو دائم تواضع باد با خرد و بزرگ
گر کسی درد دلی گوید ترا از حال خویش
آب در حلق ضعیفان از گرم چون نوش دراز
گر تکبر میکنی با خواجگان سفته کن
مصلحت از قول دینداران کامل مظل جوی